



جشن نامه گِرادو نیولی، ایران شناس ایتالیائی

حسن رضائی باغبیدی (دانشگاه تهران)

Religious Themes and Texts of Pre-Islamic Iran and Central Asia, edited by C. G. CERETI, M. MAQQI and E. PROVASI, Dr. Ludwig Reichert Verlag, Wiesbaden 2003, XXXV + 460 pages, 14 plates.

بن‌مایه‌ها و متن‌های دینی ایران و آسیای مرکزی در دوران پیش از اسلام، در واقع، جشن‌نامه‌ای برای ایران‌شناس نامدار ایتالیائی، گِرادو نیولی^۱، و هدیه شصت و پنجمین سالگرد تولد اوست، که به همت گروهی از شاگردان و همکارانش فراهم آمده است. نسخه‌ای از این کتاب، پیش از چاپ، در ۶ دسامبر ۲۰۰۲ در جشن تولد نیولی به وی اهدا شد و سرانجام در سال ۲۰۰۳ در مجموعه پژوهش‌های ایران‌شناسی^۲ که زیر نظر نیگلاس سیمز-ویلیامز^۳، استاد برجسته ایران‌شناسی، به نفقه انتشارات دکتر لودویک رایشرت^۴ منتشر می‌شود به چاپ رسید. این کتاب در واقع بیست و چهارمین جلد از این مجموعه است.

گِرادو نیولی در ششم دسامبر سال ۱۹۳۷ در رم متولد شد. او از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۳ استاد کرسی ایران‌شناسی در دانشگاه شرق‌شناسی^۵ ناپل بود و سپس به دانشگاه لاساپیتزای^۶ رم منتقل و استاد کرسی «تاریخ دین در ایران و آسیای مرکزی» شد. نیولی در سال ۱۹۷۹ به ریاست مؤسسه ایتالیائی مطالعات خاورمیانه و خاور دور^۷ منصوب شد. این

1) Gherardo Gnoli

2) *Beiträge zur Iranistik*

3) Nicholas Sims-Williams

4) Dr. Ludwig Reichert Verlag

5) Istituto Universitario Orientale (IUO)

6) La Sapienza

7) Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente (IsMEO)

مؤسسه در سال ۱۹۹۵ با مؤسسه ایتالیائی-افریقای^۸ ادغام شد و، از آن تاریخ تا کنون، مؤسسه‌ای که از ادغام آن دو به وجود آمده است مؤسسه ایتالیائی افریقا و شرق^۹ خوانده می‌شود و ریاست آن همچنان بر عهده نیولی است.

نیولی تا کنون هشت کتاب و بیش از دویست مقاله ارزشمند تألیف کرده، که بیشتر آنها درباره دین زردشتی، مانویت، تاریخ ایران باستان و رابطه دین و دولت در ایران باستان است. در اینجا ذکر نام کتاب‌های او خالی از فایده نیست. کتیبه‌های فارسی - یهودی غور (افغانستان)^{۱۰} (۱۹۶۴)، به زبان ایتالیائی؛ پژوهش‌های تاریخی درباره سیستان باستان^{۱۱} (۱۹۶۷)، به زبان ایتالیائی؛ زمان و مکان زردشت^{۱۲} (۱۹۸۰)، به زبان انگلیسی؛ از زردشت تا مانی^{۱۳} (۱۹۸۵)، به زبان فرانسه؛ مفهوم ایران^{۱۴} (۱۹۸۹)، به زبان انگلیسی؛ فهرست کتیبه‌های عربی جنوبی^{۱۵} (۱۹۹۳)، به زبان ایتالیائی؛ ایران به عنوان مفهومی دینی در مزداپرستی^{۱۶} (۱۹۹۳)، به زبان آلمانی؛ زردشت در تاریخ^{۱۷} (۲۰۰۰)، به زبان انگلیسی).

هیئت تحریریه این جشن‌نامه سیزده تن از برجسته‌ترین استادان عرصه ایران‌شناسی از سراسر جهان بوده‌اند، به نام‌های امریک^{۱۸}، بیوار^{۱۹}، پانائینو^{۲۰}، رُسی^{۲۱}، زوندرمان^{۲۲}، ژینیو^{۲۳}، سیمز - ویلیامز، شاکد^{۲۴}، کلنز^{۲۵}، گرشویچ^{۲۶}، لازار^{۲۷}، مکینزی^{۲۸} و یارشاطر، که سه تن از آنان (امریک، گرشویچ و مکینزی) در سال ۲۰۰۱ درگذشته‌اند و صورت نهائی این کتاب را ندیده‌اند. ویراستاری این کتاب بر عهده سه تن از شاگردان و دوستان جوان نیولی بوده است، به نام‌های پرووازی^{۲۹}، چرتی^{۳۰} و ماچی^{۳۱}.

کتاب دارای پنج بخش است:

۱. پیش‌گفتار ویراستاران (pp. V-VII)؛

- | | | |
|--|---|--------------------|
| 8) Istituto Italo-africano | 9) Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente (IsIAO) | |
| 10) <i>Le iscrizioni giudeo-persiane del Gūr (Afghanistan)</i> | 11) <i>Ricerche storiche sul Sistān antico</i> | |
| 12) <i>Zoroaster's Time and Homeland</i> | 13) <i>De Zoroastre à Mani</i> | |
| 14) <i>The Idea of Iran</i> | 15) <i>Inventario delle iscrizioni sudarabiche</i> | |
| 16) <i>Iran als religiöser Begriff im Mazdaismus</i> | 17) <i>Zoroaster in History</i> | |
| 18) R. E. EMMERICK | 19) A. D. H. BIVAR | 20) A. C. PANAINO |
| 21) A. V. ROSSI | 22) W. SUNDERMANN | 23) Ph. GIGNOUX |
| 24) Sh. SHAKED | 25) J. KELLENS | 26) I. GERSHEVIRCH |
| 28) D. N. MACKENZIE | 29) E. PROVASI | 30) C. G. CERETI |
| 31) M. MAQQI | | |

۲. فهرست آثار نیولی تا پایان سال ۲۰۰۱ (pp. XV-XXXV)، که ۳۶۱ عنوان است، شامل کتاب (۸ عنوان)، مقاله (۲۰۷ عنوان)، ویرایش (۱۰ عنوان)، نقد و بررسی (۴۲ عنوان)، متفرقه: پیش‌گفتار بر آثار دیگران، همکاری در تألیف، جزوه درسی و غیره (۹۴ عنوان)؛ ۳. متن اصلی کتاب شامل ۴۱ مقاله (pp. 1-458): ۲۳ مقاله انگلیسی، ۸ مقاله فرانسه، ۷ مقاله آلمانی و ۳ مقاله ایتالیایی؛

۴. فهرست نشانه‌های اختصاری (pp. 459-460)؛

۵. ۱۴ صفحه تصویر.

از آنجا که در این مختصر نمی‌توان همه مقالات این مجموعه را معرفی و بررسی کرد، در زیر فهرست مقالات این مجموعه خواهد آمد و درباره چند مقاله توضیحاتی داده خواهد شد:

۱. ا. د. ه. بیوار، «ایزدان جهان‌شمول و آثار هلنیستی در کوه خواجه در سیستان»^{۳۲}

۲. فرانسوا دوبلوا، «همزاد مانی در متن‌های ایرانی و غیرایرانی»^{۳۳}

۳. آلبرتو کانتیرا، «خوددَشْگِیِه در پهلوی و انقیادِ مرجعیتی در دین زردشتی (پس از دوره ساسانی)»^{۳۴}

۴. کارلو ج. چرتی و دیوید ن. مکینزی، «جز با نبرد: آفرینش زردشتی در فصل نخست بندهشن بزرگ»^{۳۵}

۵. ایریس کلدیتس، «سنت‌های شرق باستان و اوستایی در عناوین شاهان در ایران باستان»^{۳۶}

۶. سیمونه کریستوفوریتی، «آیین ایشان، اشتباه کوشیار و فروردگان ابیانه»^{۳۷}

32) A. D. H. Bivar, "Cosmopolitan Deities and Hellenistic Traces at Kuh-e Khwāja in Sistan"

33) François de Blois, "Manes' 'Twin' in Iranian and Non-Iranian Texts"

34) Alberto CANTERA, "Phl. *xwaddōšagih* und die Unterwerfung unter die Autorität im (nach)sasanidischen Zoroastrismus"

35) Carlo G. CERETI and David N. MacKENZIE, "Except by Battle: Zoroastrian Cosmogony in the 1st Chapter of the Greater *Bundahišn*"

36) Iris Colditz, "Altorientalische und Avesta-Traditionen in der Herrschertitulatur des vorislamischen Iran"

37) Simone CRISTOFORETTI " 'Ā'in-i iṣān', un lapsus di Kūšiyār e il *farwardgān* di Abiyāna"

۷. اِلا فیلیپونه، «مفاهیم مزدائی آفرینش و زایش: بازتاب‌هایی در زبان‌های ایرانی»^{۳۸}
۸. ریچارد ن. فرای. «کوروش هخامنشی نبود»^{۳۹}
۹. فیلیپ ژینیو، «زمان در دینکرد سوم»^{۴۰}
۱۰. فرانتس گرنه، «هند اخترشناسان در یک نقاشی سغدی از قرن هفتم میلادی»^{۴۱}
۱۱. ریکا گیزلن، «آتش‌های بزرگ شاهنشاهی ساسانی: شواهدی بر مهرها»^{۴۲}
۱۲. کلاریسه هرِنشمیت، «ذیمقراطیس و دین مزدایی: قطعاتی درباره انسان»^{۴۳}
۱۳. آلموت هیتسه، «هنگامی که ستارگان طلوع می‌کنند: اصطلاح اوستائی آیویسروثریمه آبیگیه»^{۴۴}
۱۴. هلموت هومباخ، «کتیبه بزرگ سرخ کُتل»^{۴۵}
۱۵. مانفرد هوتز، «مار آبا و تأثیر دین زردشتی بر مسیحیت در قرن ششم میلادی»^{۴۶}
۱۶. فیلیپ هویزه، «تأملاتی درباره بنگلانگی کانیسکای اول»^{۴۷}
۱۷. آلبرت د. جونگ، «پرچم‌شناسی مقدس: در جستجوی پرچم آیینی»^{۴۸}
۱۸. جودیت جوزفین، «درون‌مایه کتاب هفتم دینکرد»^{۴۹}
۱۹. ژان کِلِنز، «درباره برخی رویکردهای مهم در پژوهش‌های اوستایی و مزدایی در قرن بیستم میلادی»^{۵۰}
۲۰. ژیلبر لازار، «نظم سرودی مانوی به زبان پارتمی»^{۵۱}

38) Ela Filippone, "The Mazdean Notions of Creation and Birth: Some Reflexes in the Iranian Languages"

39) Richard N. Frye, "Cyrus Was No Achaemenid"

40) Philippe Gignoux, "Zamān ou le temps philosophique dans le *Dēnkard* III"

41) Frantz Grenet, "L'Inde des astrologues sur une peinture sogdienne du VIIe siècle"

42) Rika Gyselen, "Les grands Feux de l'empire sassanide: quelques témoignages sigillographiques"

43) Clarisse Herrenschiidt, "Démocrite et le mazdéisme: fragments sur l'homme"

44) Almut Hintze, "When the Stars Rise: The Avestan Expression *aifisrūθrima- aibigaiia*."

45) Helmut Humbach, "The Great Surkh Kotal Inscription"

46) Manfred Hutter, "Mār Abā and the Impact of Zoroastrianism on Christianity in the 6th Century"

47) Philip Huysse, "Überlegungen zum *βαγολαγγο* des Kaniška I"

48) Albert de Jong, "Vexillologica Sacra: Searching the Cultic Banner"

49) Judith Josephson, "The 'Sitz im Leben' of the Seventh Book of the *Dēnkard*"

50) Jean Kellens, "Sur quelques grandes tendances des études avestiques et mazdéennes

au XXe siècle" 51) Gilbert Lazard, "La versification d'un hymne manichéen en parthe"

۲۱. ماریا ماتسوخ، «اصول زردشتی و ساختار خویشاوندی در ایران ساسانی»^{۵۲}
۲۲. مائورو ماجی، «آیاتی دیگر از کتاب ویملکیرتی ختنی»^{۵۳}
۲۳. اینریکو مورانو، «ستوده و متبرک هستی تو»^{۵۴}
۲۴. آنتونیو پانائینو، «بغانِ فرترکه‌ها: خدایان یا شاهانُ الهی؟»^{۵۵}
۲۵. اریک پیرار، «معماهای محاسباتی در تدوین هوم ستوم»^{۵۶}
۲۶. آندریئا پیرا، «نمادشناسی و اسطوره‌شناسی فرّه در اوستا»^{۵۷}
۲۷. الیو پرووازی، «قرن در سغدی»^{۵۸}
۲۸. کریستیان ریک، «توصیف دَئنا در متنی مانوی به زبان سغدی»^{۵۹}
۲۹. آدریانو و. رُسی، «بازتاب‌های واژه‌های دینی در کتیبه‌های هخامنشی؟»^{۶۰}
۳۰. جانروبرتو اسکارچیا، «سرجیو / سروش در فردوسی؟»^{۶۱}
۳۱. رودیگر اشمیت، «ملاحظات نام‌شناختی درباره فهرست نام‌های فروردین یشت»^{۶۲}
۳۲. مارتین شوارتس، «رمزپردازی‌ها در گاهان: دیدگاه‌های گوناگون زردشت درباره مفهوم سعادت»^{۶۳}
۳۳. شاول شاکد، «آندیشه و قدرت در گاهان: مفاهیم آیینی یا موجودات کیهانی؟»^{۶۴}
۳۴. نیکلاس سیمز-ویلیامز، «مجادله‌ای به سغدی مسیحی علیه مانویان»^{۶۵}

- 52) Maria Macuch, "Zoroastrian Principles and the Structure of Kinship in Sasanian Iran"
- 53) Mauro Maqqi, "More Verses from the Khotanese *Book of Vimalakīrti*"
- 54) Enrico Morano, "Praised and Blessed Art Thou"
- 55) Antonio Panaino, "The *bayān* of the Fratarakas: Gods or 'Divine' Kings?"
- 56) Éric Pirari, "Enigmes arithmologiques dans la composition du *Hōm Stōm*"
- 57) Andrea Piras, "Simbolismo e mitologia dell'aurora nell'*Avesta*"
- 58) Elio Provasi, "Sogdian *farn*"
- 59) Christiane Reck, "Die Beschreibung der Daēnā in einem soghdischen manichäischen Text"
- 60) Adriano V. Rossi, "Echoes of Religious Lexicon in the Achaemenid Inscriptions?"
- 61) Gianroberto Scarcia, "Sergio/Sorush in Firdusi?"
- 62) Rüdiger Schmitt, "Onomastische Bemerkungen zu der Namenliste des *Fravardīn Yašt*"
- 63) Martin Schwartz, "Encryptions in the Gathas: Zarathushtra's Variations on the Theme of Bliss"
- 64) Shaul Shaked, "'Mind' and 'Power' in the Gāthās: Ritual Notions or Cosmic Entities?"
- 65) Nicholas Sims-Williams, "A Christian Sogdian Polemic against the Manichaeans"

۳۵. پرودز آکتور شیروو، «قطعائی از رَتکوتِه - سوتره (کاشیپریورته) به زبان حُتنی»^{۶۶}
۳۶. ورنر زوندرمان، «پادشاهی عیسی در پایان جهان: قطعه‌ای نو از شواهد مانوی»^{۶۷}
۳۷. فیلیپ سورن، «گردونه‌ران میثره»^{۶۸}
۳۸. ماریو ویتالونه، «خسرو انوشیروان در سنت ادبی زردشتی فارسی نو»^{۶۹}
۳۹. دیتر وِبر، «مانیاگوس»^{۷۰}
۴۰. جوزف ویزهوفر، «پس انسانی را به عنوان فرمانروایتان نپرستید، بلکه فقط خدایان را: ملاحظاتی درباره فردپرستی در ایران»^{۷۱}
۴۱. یوتاکا یوشیدا، «تأثیر آیین بودایی بر جشن بَمه»^{۷۲}
- در مقاله نخست، بیوار، با مطالعه طاق‌های برافراشته با استفاده از خشت‌های پیش‌ساخته در سطوح پایینی کوه خواجه و مقایسه آنها با طاق‌های مشابه در شهر قدیم قومس و شهر قدیم قندهار، بخشی از بناهای سطوح پایینی کوه خواجه را متعلق به دوره سلوکی می‌داند. یادآور می‌شود که به نظر تقریباً همه باستان‌شناسان فقط آثار معماری دوره‌های اشکانی و ساسانی در کوه خواجه وجود دارد. یگانه کسی که پیش از بیوار درباره وجود آثار معماری قبل از دوره اشکانی در کوه خواجه اظهار نظر کرد گولینی^{۷۳} بود. او بناهایی را که با خشت‌هایی به ابعاد $۱۱ \times ۴۰ \times ۴۰$ و $۱۱ \times ۲۲ \times ۵۴$ سانتیمتر در کوه خواجه ساخته شده بودند متعلق به دوره هخامنشی می‌دانست، چرا که ابعاد خشت‌های اشکانی، به اعتقاد او، فقط $۵/۹ \times ۴۰ \times ۴۰$ یا $۱۰ \times ۴۰ \times ۴۰$ سانتیمتر بوده است.
- دوبلوآ، در مقاله دوم، سعی در بازسازی جمله‌ای می‌کند که ابن ندیم در الفهرست درباره همزاد آسمانی مانی بیان کرده است. همزاد مانی در مانویت موجودی آسمانی است و همان فرشته‌ای است که وحی را به مانی ابلاغ کرده است. جمله ابن ندیم در

66) Prods Oktor Skjærvø, "Fragments of the *Ratnakūṭa-sūtra (Kāśyapaparivarta)* in Khotanese"

67) Werner SUNDERMANN, "Jesus' Rulership at the End of the World: A New Piece of Manichaean Evidence" 68) Philippe SWENNEN, "Le cocher de Mithra"

69) Mario VITALONE, "Khosrow of the Immortal Soul in the New Persian Zoroastrian Literary Tradition"

70) Dieter WEBER, "Manayas"

71) Josef WIESEHÖFER, "Denn ihr huldigt nicht einem Menschen als eurem Herrscher, sondern nur den Göttern": Bemerkungen zur Proskynese in Iran "

72) Yutaka Yoshida, "Buddhist Influence on the Bema Festival?"

73) G. Gullini

الفهرست چنین است: «وكان الملك الذي جاءه بالوحي يسمي التوم و هو بالنبطية و معناه القرين». دوبلو آ بر آن است که واژه نَبَطِي برای همزاد مانی در جمله مذکور افتاده است. او «التوم» را عربی می‌داند و به صورت «التَّوَم» اصلاح می‌کند و بر این باور است که معادل نبطی این واژه باید، مانند مندایی^{۷۴} و تلمودی^{۷۵}، «زَوَا» (zawwā) بوده باشد (قس سُرِیانی zawgā، همه از یونانی ζεύγος). بدین ترتیب، این واژه می‌بایست پیش از واژه «النبطیه» آمده بوده باشد، اما کاتبان بعدی آن را حذف کرده‌اند. منظور دوبلو آ از نبطی، در اینجا، گونه‌ای از زبان آرامی است که در بابل رایج بوده و در واقع زبان مادری مانی بوده است. بنابراین، به نظر دوبلو آ، جمله مذکور در اصل چنین بوده است: «وكان الملك الذي جاءه بالوحي يسمي التوم و هو زوا بالنبطية و معناه القرين». خاطر نشان می‌شود که نام همزاد آسمانی مانی در پهلوی اشکانی yamag، در فارسی میانه مانوی jamīg، nar-jamīg و hām-jamīg، در یونانی σούζυγος، و در قبطی saiš بوده است.

مقاله چهارم (از چرتی و مکینزی) در واقع تصحیح انتقادی فصل‌های ۱ و ۱ الف از بُدَهَشَن ایرانی بر اساس نسخه‌های TD1 و DH است. این دو فصل درباره آفرینش است و یکی از دلایل اهمیت آنها وجود عناصر ژروانی در آنهاست. در این مقاله، این دو فصل آوانویسی و به انگلیسی ترجمه شده‌اند.

مقاله هفتم (از فیلیپونه) به بررسی مینو و گیتی در دین مزدایی می‌پردازد، که رابطه میان آن دو از مسائل بسیار مهم در کیهان‌شناسی مزدایی است. گیتی در واقع برگرفته از آفرینش آغازین اوهرمزد است که به صورت مینوی بوده است. در متون زردشتی، به زبان فارسی میانه، آفرینش مینوی āfurišn و آفرینش گیتیگی dahišn نامیده شده است. هستی مینوی ناگرفتنی و ناپیدا، اما هستی گیتیگی گرفتنی و پیداست. به همین دلیل، در زبان‌های ایرانی برای بیان مفهوم «آفریدن از نوع گیتیگی» از واژه پیدا استفاده شده است، مانند این نمونه‌ها در زبان فارسی: پیدا آمدن «به وجود آمدن»، پیدا آوردن «به وجود آوردن»، پیدا شدن «به وجود آمدن»، پیدا کردن «آشکار کردن»، به وجود آوردن و پیدایش «آفرینش».

موضوع مقاله هشتم (از فرای) مسئله‌ای بحث‌برانگیز در نسب‌شناسی پادشاهان سلسله

هخامنشی است. کورش در لوحه‌ای بابلی نسب خود را به پیشپیش می‌رساند نه به هخامنش. داریوش نیز، در کتیبه بیستون، نسب خود را به پیشپیش می‌رساند، اما او را پسر هخامنش می‌خواند. شاهان پس از داریوش، در ذکر نام نیاکان خود، همواره بر دو نام تأکید می‌کنند: داریوش و هخامنش. حال این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا کورش جد بزرگ خود، هخامنش، را نمی‌شناخته است و آیا این احتمال می‌تواند وجود داشته باشد که داریوش، برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش، هخامنش را که نیای خود بوده نیای کورش نیز معرفی کرده است؟ در این صورت، کتیبه‌های منسوب به کورش در پاسارگاد را، که در آنها خود را «منم کورش، هخامنشی» معرفی کرده، باید از جعلیات داریوش دانست. از سوی دیگر، نام کورش و پدراننش (کمیوجیه و پیشپیش) از نظر ریشه‌شناسی مبهم است، اما نام داریوش و پدراننش (آرشامه و آریارمنه) از نظر ریشه‌شناسی کاملاً شفاف است. آیا، بر اساس این دلایل، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که داستان بردیای دروغین آفریده داریوش است؟ در این صورت، باید گفت که داریوش بردیای راستین را به قتل رسانده، سلطنت را غصب کرده، پرستش اهوره مزدا را رواج داده و به دروغ خود را خویشاوند کورش خوانده است.

موضوع مقاله سیزدهم (از هینتیه) ریشه‌شناسی یک واژه اوستایی است. روز ۲۴ ساعته در دین زردشتی به ۵ گاه (= زمان) تقسیم می‌شود: usahina- ratu- «گاه سپیده‌دم» (از نیمه‌شب تا هنگام ناپیدا شدن ستارگان)، hāuuanī- ratu- «گاه فشردن [گیاه مقدس] هوم» (از سپیده‌دم تا ظهر)، rapīθβina- ratu- «گاه تهیه غذا» (ظهر)، uzaīieirina- ratu- «گاه فرورفتن روز» (از ظهر تا هنگام پیدائی ستارگان) و aīβisrūθrima- aībigaiia- ratu- (از هنگام پیدائی ستارگان تا نیمه‌شب). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، معنی و ریشه چهار گاه نخست روشن است. تاکنون، درباره نام گاه پنجم ریشه قابل قبولی پیشنهاد نشده بود. در این مقاله، هینتسه، پس از ذکر نظرهای پیشین، پیشنهاد جدیدی ارائه می‌دهد. به اعتقاد او، aīβisrūθrima- برگرفته از *aīβisrūθra- از aīβi-sru- «گوش سپردن، گوش دادن» (از ریشه sru «شنیدن»)، و aībigaiia- برگرفته از aīβi-gā «سرودن؛ ستودن» (از ریشه gā «سرودن») است. بنابراین، aīβisrūθrima- aībigaiia- ratu- را باید چنین معنی کرد: «گاه سرایش گوش سپارانه».

موضوع مقاله چهاردهم (از هومباخ) کتیبه سُرخ گُتل است که در سال ۱۹۵۸ در

شمال افغانستان کشف شد. این کتیبه مهم‌ترین کتیبه به زبان بلخی، از زبان‌های ایرانی میانه شرقی، به خطی مأخوذ از یونانی معروف به خط یونانی-بلخی است. در این مقاله، هومباخ قرائت جدیدی از این کتیبه پیشنهاد کرده و قرائت خود را با قرائت‌های گِرشویچ، ماریک^{۷۶} و هنینگ مقایسه کرده است.

مقاله پانزدهم (از هوتر): دوره ساسانی دوره شکوفائی هویت ایرانی و دین زردشتی است. در این دوره، دو دین مانوی و مسیحی توانستند گسترش زیادی بیابند؛ مانویت به دلیل گرایش بیش از حد به جهانی بودن، و مسیحیت به دلیل گرایش به فرهنگ یونانی و سپس بیزانسی. مسیحیان سریانی زبان در ایران به تدریج، در اوایل قرن ۵ میلادی، از کلیسای روم جدا شدند و کلیسای مستقل ایران را به وجود آوردند، که هویت ایرانیان مسیحی زاده یا مسیحی شده را حفظ می‌کرد. به همین دلیل، در قرن‌های ۶ و ۷ میلادی زردشتیان زیادی مسیحی شدند، اما جایگاه اجتماعی خود را نیز حفظ کردند. یکی از آنها مارآبا بود که خود از دین زردشتی به مسیحیت گرویده بود. او از ۵۴۰ تا ۵۵۲ میلادی جاثلیق کلیسای شرق بود و زردشتیان بسیاری را مسیحی کرد. هوتر، در این مقاله، به معرفی مارآبا و تأثیر دین زردشتی بر مسیحیت در قرن ششم میلادی می‌پردازد. مقاله هفدهم (از جونگ): بر پشت سکه‌های شاهان فرترکه^{۷۷} پارس پیش از ساسانیان، در پشت سر شاه درفش مربع شکل بر تیرکی قرار گرفته است. جونگ، در این مقاله، این درفش را نمادی دینی می‌داند که در اختیار شاه بوده است. به باور او، شاه در واقع محافظ معبدی مهم و حاکمی از جانب خدایان بوده است. نویسنده مقاله، برای حصول به این نتیجه، به بررسی سابقه درفش در سنت ایرانی پرداخته و آن را با drabša در نزد منداییان و droša در نزد فرقه‌هایی از گرجیان کوه‌نشین مقایسه کرده است.

مقاله هجدهم (از جوزفسن): کتاب هفتم دینکرد روایت تاریخ جهان از نخستین انسان (کیومرث) تا پایان جهان (ظهور سوشیانس) است و زندگی زردشت هسته اصلی آن. این کتاب یازده فصل دارد و می‌توان آن را به دو بخش تقسیم کرد: فصل‌های ۱ تا ۶ از نخستین انسان تا مرگ گشتاسپ، که زندگی زردشت نیز در این بخش بیان شده است؛ فصل‌های ۷ تا ۱۱ شامل تاریخ ایران پس از مرگ گشتاسپ تا پایان جهان. جوزفسن در

این مقاله، ضمن بررسی کتاب هفتم دینکرد و با تکیه بر این نکته که متن این کتاب ترکیبی از نظم و نثر است، چنین نتیجه می‌گیرد که آن در حضور تماشاگران همچون نمایش‌نامه‌ای اجرا یا تلاوت می‌شده است.

مقالهٔ بیست و دوم (از ماجی) در واقع آوانویسی، ترجمه و شرح ابیات ۹ تا ۳۳ ویمَلکیرتی است، که کتابی بودایی به زبان خُتتی است. بخشی از این ابیات دربارهٔ بدن‌های سه‌گانه بوداست.

مقالهٔ بیست و سوم (از مورانو): بخشی از منظومهٔ پارتی وُزُرگان آفریون^{۷۸} دارای سرودهایی خطاب به پدرِ بزرگی (= بزرگ‌ترین ایزد مانوی) است که همه با این عبارت آغاز می‌شوند: ستوده و متبرک هستی تو. قطعاتی هم از تحریر سغدی این سرودها پیدا شده است. مورانو در این مقاله قطعاتی از این بخش از منظومهٔ پارتی و تحریری سغدی را بررسی کرده است.

□



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی